



# سینما و انتظار منجی

نگاهی به جایگاه مهدویت در سینمای ایران

شیعی مد نظر است جا انداخته باشد. سینمای ایران در پرداختن به این موضوع بسیار ضعیف عمل کرده و تعداد فیلم‌هایی که با موضوع منجی و انتظار ساخته شده‌اند بسیار کم است. در ادامه مروری کلی به همین آثار داشته‌ایم. به طور کلی آثار این فهرست کم‌شمار ۲ رویکرد را در خود جا داده‌اند: یکی بحث «تیشیری» است که عمدتاً در آثار تاریخی / مذهبی شکل گرفته است و دیگری بحث «انتظار» است که در قالب‌های نمادین، بخش‌های پایانی فیلم‌ها را تشکیل می‌دهد. از میان آثار گروه اول می‌توان به فیلم‌هایی مثل «مریم مقدس» و «ملک سلیمان» شهریار بحرانی و همچنین سریال‌های «بشارت منجی» زنده یاد نادر طالب‌زاده و «حضرت یوسف» مرحوم فرج‌الله سلحشور اشاره کرد و در میان گروه دوم آثاری مثل «اینجا چراغی روشن است» سیدرضا میرکریمی، «مارمولک» کمال تبریزی و «بوی پیراهن یوسف» ابراهیم حاتمی‌کیا را می‌توان سراغ گرفت.

پرسش اما این است که ما در این زمینه چه کرده‌ایم. طبیعتاً سینمای ما به لحاظ امکانات تکنولوژی یک بضاعت هالیوود را ندارد اما این دلیل کافی برای صرف‌نظر از چنین پرسشی نیست که ما چقدر در این زمینه تلاش کرده‌ایم و چه اندازه از بضاعت اندک‌مان را مصروف به پرداخت این موضوع قرار داده‌ایم؟ وقتی صحبت از میزان داشت منظور چیزی فراتر از تله‌فیلم‌های مناسبی تلویزیون است که در آنها چند کاراکتر قصه در نهایت به مسجد جمکران می‌روند یا در مراسم نیمه شعبان متحول می‌شوند. آنچه زیرساخت ذهنی مخاطبان ایرانی (و در صورت توفیق یک اثر، مخاطبان جهانی) را در این باره قالب‌دهی می‌کند، مساله «اصل انتظار» است و اهمیت اصلی را همین موضوع دارد. بنابراین ممکن است در فیلمی مستقیماً اسم امام زمان نیامده باشد یا اشاره به آن خیلی کوتاه باشد، اما مفهوم انتظار را چنانکه در باور

این رویه ادامه پیدا کرد و امروز هر مخاطب عادی سینما هم به راحتی می‌تواند نمونه‌های متعددی از فیلم‌های علمی - تخیلی هالیوود را مثال بزند که به مساله آخرالزمان، پایان تاریخ و یا ظهور یک منجی پرداخته‌اند و در بیشتر این موارد یا دولت و ساختار حاکمیتی ایالات متحده منجی دنیا است یا یک سفیدپوست آمریکایی؛ تا آنجا که عبارت منجی سفید به یک نرم شناخته شده در تحلیل فیلم‌های آمریکایی تبدیل شده است. طبیعتاً نگاه آنها به منجی با نگاهی که ما داریم زمین تا آسمان فرق می‌کند و این به وضوح پیداست که هالیوود تلاش می‌کند بدیلی برای منجی آخرالزمان، چنانکه در باورهای شیعه و سایر باورهای ابراهیمی آمده است پیدا کند. یکی از شاهد مثال‌های این قضیه می‌تواند فیلم «تلماسه» باشد که یک شخصیت آمریکایی در آن به عنوان منجی آخرالزمان پدیدار می‌شود و اعراب داخل فیلم او را مهدی صدا می‌کنند.

به هیچ‌وجه مبالغه نیست اگر بگوییم مساله منجی، یکی از اصلی‌ترین درونما‌های جهانی است که در سینمای جهان به آن پرداخته شده است؛ این جریان از نخستین روزهای تاریخ سینما به راه افتاد. سال ۱۹۱۳ میلادی فیلم «پایان دنیا» روی پرده رفت و آثار دیگری نیز درباره پایان دنیا در سال‌های بعد ساخته شدند مثل فیلم تجربی «مرگ خورشید» ساخته ژرمن دولاک در سال ۱۹۲۰ یا «کشتی نوح» به کارگردانی مایکل کورنیز در سال ۱۹۲۹ یا فیلم «جبرئیل بر فراز کاخ سفید» در سال ۱۹۳۳ که در آن جبرئیل به کمک رئیس جمهوری آمریکا می‌شافت. در همان سال‌ها سریال‌های سینمایی مانند «فلاش گوردون»، «صاعقه»، «شزم» یا «باک راجرز» و مانند آن به مقوله تهدیدهای جهانی از سوی موجودات شرور زمینی و غیرزمینی پرداخته و جنگی را که توسط یک قهرمان یا منجی در مقابل آنها برپا می‌شد، نمایش دادند.



میلاد جلیل‌زاده

**۲ مجیدمجیدی ۱۳۷۴ فیلم کوتاه «خدایم آید»**

یکی از ۳ فیلم کوتاه مجیدمجیدی، فیلمی ۳۰ دقیقه‌ای است با عنوان «خدایم آید» که آن را سال ۱۳۷۴ پیش از ساختن فیلم مشهور و موفق خود یعنی «چه‌های آسمان» ساخت. «خدایم آید» داستان پسر و دختر خردسالی است که برای خدا نامه می‌نویسند و از عازانه تقاضا می‌کنند تا بپاید و مادر مریض‌شان را به بیمارستان ببرد و خوب کند. نامه ساده و صمیمانه کودکان دوست‌داشتنی و تلخ است. پدر این ۲ کودک برای پیدا کردن کسی که پول درمان همسرش را به او قرض بدهد به شهر رفته اما این بچه‌ها که فارغ از مناسبات دنیوی هستند، کاملاً بی‌تکلف و بر اساس فطرت برای خدا نامه می‌نویسند و منتظرند بپاید و کمک‌شان کند. آنها در دل طبیعتی بکر زندگی می‌کنند، روستای آنها زیباتر و برکه آن، محل فرود مرغی‌هاست

**۱ بوی پیراهن یوسف ابراهیم حاتمی‌کیا ۱۳۷۴**

«بوی پیراهن یوسف» روایتی از دایی غفور با بازی درخشان علی نصیریان است که سه ساله‌اش چشم به راه بازگشت فرزندش از جبهه جنگ است؛ فرزندی که سال‌ها اعتقاد دارند شهید شده اما غفور در مقام پدر باور دارد که یوسفش هنوز زنده است و روزی باز خواهد گشت غفور که راننده تاکسی فرودگاه است، همراه زن جوانی می‌شود که برای دیدار با برادر آزادش به ایران آمده. این ۲ نفر هر ۲ در حس انتظار مشترکند و همین قضیه همراه و همسفرشان می‌کند. سرانجام به طرز غافلگیرکننده‌ای این زن جوان وقتی چشم می‌چرخاند تا بین مسافران اتوبوس‌هایی که از آزدگان را به ایران آورده‌اند برادر خود را پیدا کند، ناگهان پسر غفور را می‌بیند. غفور آداب انتظار را به جا آورده بود بی‌آنکه کسی درباره زنده بودن پسرش تضمینی به او داده باشد و سرانجام به مرادش رسید.



**۴ کمال تبریزی ۱۳۸۲ مارمولک**

تا چند سال پیش شاید صحبت از فیلم مارمولک به عنوان یکی از آثاری که مفاهیم منجی، انتظار و مهدویت در آن مطرح شده بسیار غریب می‌نمود اما پس از اینکه انتشار بریده‌ای از سخنان رهبر انقلاب در تأیید محتوای این فیلم باعث تغییر نگاه‌ها نسبت به آن شد، حالا راحت‌تر می‌توان در این باره حرف زد. این فیلم به شکل نرم و تا حدودی نامحسوس به مفهوم نبی‌ت امام زمان (عج) پرداخته است و حتی در یکی از دیالوگ‌های طنز آن، رضا مارمولک خود را نماینده خدا در آن منطقه و سایر نقاط معرفی می‌کند. زاویه نگاه فیلم به مفهوم انتظار و کارکرد روحانیت در دوران غیبت برای ایجاد محبت و علاقه کردن در میان مومنان، مضمونی است که در طول فیلم جاری است و در سکانس پایانی به اوج خود می‌رسد؛ آنجا که ماموری که

**۳ اینجا چراغی روشن است سیدرضا میرکریمی ۱۳۸۱**

این فیلم در قیاس با دیگر فیلم‌های میرکریمی، فضایی به‌شدت نمادین دارد و هر چند به‌ظاهر داستان یک امامزاده و متولی ساده‌دلش را روایت می‌کند اما هم در طول روایت و هم در پایان‌بندی، تلاش دارد فضایی فراواقعی به آن بدهد. میرکریمی در حقیقت با این فیلم عبور از ظاهر آن امامزاده و حرکت به سوی امام زنده را نشان داده است. یکی از سکانس‌های به یادماندنی فیلم لحظه‌ای است که قدرت از خواب بیدار می‌شود و متوجه می‌شود که دزد همه دار و ندار امامزاده را با خود برده و حتی در چوبی آن را هم از جا کنده است! قدرت اما با خوشحالی روی جای خالی چارچوب در امامزاده روی دیوار دست می‌کشد و می‌گوید: «چه فشنگ شده... می‌گفت چرا هی در رو می‌بندید... حالا دیگه نمی‌شه بست»



**۶ علی وزیریان ۱۳۸۵ خدا نزدیک است**

جوانی به نام رضا که با موتور مسافرکشی می‌کند، در نگاه اهالی منطقه، شیرین‌عقل است اما او در باطن جوانی باعاطفه و مهربان و برخوردار از سلامت کامل ذهنی است. در نزدیکی محل زندگی رضا، روستای کوچکی است که بخشی از جاده آن در مسیر سیل ویران شده است. رضا برای تردد به آنجا ناچارند با موتورهای فرسوده و از راه جنگلی عبور کنند. در همین ایام لیلا، معلم جدید روستا از راه می‌رسد و برای رفتن به مدرسه ناچار می‌شود با موتور سفر کند. رضا دلایخته لیلا معلم مدرسه شده، رفته‌رفته‌ها احوالاتش به گونه‌ای تغییر می‌کند که مادرش او را برای شفا به امامزاده می‌برد. این عشق زمینی باعث ایجاد سلوک عرفانی عمیق در رضا می‌شود که کار او را به انتظار برای آمدن محبوبش در محل امامزاده

**۵ قدمگاه محمد مهدی عسکری پور ۱۳۸۲**

جست‌وجو برای یافتن هویت واقعی‌اش می‌گیرد و سرانجام به حقیقتی درونک درباره گذشته خود و ظلمی که از سوی اهالی روستا در حق مادرش روا شده پی می‌برد. یکی از مهم‌ترین مضامینی که در فیلم مطرح می‌شود، گناه جمعی است. اهالی روستا همه نسبت به رحمان احساس گناه می‌کنند و خود را بابت اتفاقی که برای مادر او در روستا رقم خورده است، لایق سرزنش می‌دانند. استیصال جمعی این افراد که خود نسبت به گناه خود واقف هستند اما گویی راه‌گریزی برای راهی از بار سنگین آن پیدا نمی‌کنند، یکی از نکاتی است که در فرهنگ انتظار و درباره انسان در دوره آخرالزمان هم به آن اشاره شده است. فیلم از این منظر اشاره‌های غیرمستقیم به استیصال بشر امروز و نیازمندی‌اش به ظهور یک منجی دارد.



**۸ محمد مهدی عسکری پور ۱۳۹۲ میهمان داریم**

«میهمان داریم» روایتی از یک خانواده شهید است که از تنها فرزند باقیمانده‌شان که او هم جانباز اعصاب و روان است، مراقبت می‌کنند. فرزندان شهید این خانواده در فیلم حضور دارند و بازی می‌کنند اما مرز مبهمی بین خیال و واقعیت وجود دارد که این حضور را توجیه کرده است. بعد از فیلم «نازاس شیشه‌ای» که رابطه پدر و پسر درون آن بین حاج کاظم و فرزندش به رغم اینکه بسیار کوتاه بود، خیلی به چشم آمد و در یادها ماند، ۲ بازیگری که آن نقش‌ها را بازی کرده بودند یعنی پرویز پرستویی و بهروز شعبانی باز هم در «میهمان داریم» نقش پدر و فرزند را بازی کردند. این پسر در فرزندانی از داستان طوری رفتار می‌کند که انگار بریده و جدال جالبی بین او و پدرش بر سر پایبندی روی آرزوهای درمی‌گیرد. آنچه فیلم را در دسته فیلم‌های مرتبط با فرهنگ

**۷ سبز کوچک غلامرضا رضانی ۱۳۸۷**

اما پسر عمماش مرتضی که از فرازند دل خوشی ندارد، می‌خواهد با دزدیدن قالپچه‌ای گران‌قیمت از فرازند تلافی کند و همین مساله‌ای جدید برای محمد است. چنانکه فیلم تقاضای محمد برای رفتن به سالن بزرگ شهر و کنار زدن یک‌کایک موافق نشان می‌دهد، تا حدودی می‌تواند مساله مهدویت و انتظار فعال برای ظهور منجی را تداعی کند. کارگردان با تمام اجزای این فیلم حس نوستالژیک داشته که این را می‌شود در نوع نمایش صحنه‌ها به وضوح دید و یکی از مواردی که برای او خاطرمانگیز بوده، جشن نیمه شعبان است. غلامرضا رضانی از فیلمسازانی است که به طور تخصصی در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند و این فیلم هم محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است اما «سبز کوچک» را نمی‌توان فیلم چندان موفق در جلب نظر از مخاطبان دانست.

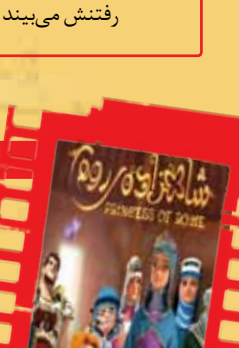


**۱۰ ابراهیم حاتمی‌کیا ۱۴۰۳ موسی کلیم‌الله**

تقریباً همه می‌دانند که فیلم «موسی کلیم‌الله» به وقت طلوع، از نسخه‌ای خلاصه شده از فصل اول یک سریال ۵ فصلی تلویزیونی است که به جشنواره فجر آمد و استقبال چشمگیری هم از جانب مخاطبان دریافت کرد. حاتمی‌کیا در همین ابتدای امر تمرکز اصلی داستانش را روی تولد منجی قرار داد و از آنجا که این روایت تا مقطع تولد حضرت موسی و سپرده شدن گهواره او به آب نیل پیش می‌رود، قهرمان داستان تا اینجای کار مادر موسی، با بازی مریلا زارعی است. داستان با رنج‌بردگان عبرانی یا همان قوم بنی‌اسرائیل زیر یوغ استعمارکنان رومی یا همان فرعونیان شروع می‌شود. عبرانیان صدها سال پس از ارتحال یوسف نبی و سپرده شدن تابوت او به نیل، حالا که از این همه ستم به تنگ آمده‌اند، منتظر ظهور یک منجی هستند. فرعون هم این وعده را در خواب می‌بیند و تمام همت و توانش را صرف جلوگیری

**۹ انیمیشن شاهزاده روم هادی محمدیان ۱۳۹۳**

است که مستقیماً به زندگی امام دوازدهم شیعیان اشاره کرده است. این فیلم که نخستین انیمیشن قابل قبول ایرانی به لحاظ تکنیک‌های فنی بود، سومین فیلم پرمخاطب ایران سال ۱۳۹۴ ایران شد و توانست بیش از یک میلیون مخاطب را در سینماهای سراسر کشور جذب کند. علاوه بر این، شاهزاده روم پس از اکران در ایران توانست در کشورهای انگلستان، لبنان، عراق، کویت، امارات عربی متحده، مجارستان، فرانسه، استرالیا، کانادا و بخش‌های دیگر جهان مثل تایوان روی پرده سینماها برود و مورد استقبال مخاطبان قرار بگیرد که در بسیاری از کشورها با عنوان «شاهزاده بیژانسی» شناخته می‌شد. در پرداخت داستان این انیمیشن خوبی از ظرفیت یک الگوی عامه‌پسند انیمیشن‌ها که علاقه شاهزاده خانمی جوان به یک قهرمان را نشان می‌دهد بهره برده شده است و همین به استقبال جهانی از آن کمک خوبی کرد.



از آن می‌کنند اما اراده خدا بر تمام اراده‌ها پیروز است. به طرز واضحی می‌شود الگوی منجی در آن دوران را به آنچه که مومنین امروز منتظرش هستند تطبیق داد که این نه تنها واجد جنبه‌های نمادین است، بلکه استمرار یک سنت الهی به حساب می‌آید. حاتمی‌کیا اما به این هم بسنده نکرده و با قرار دادن بخشی در این فیلم که مادر موسی برای سلامت طفلش وقتی او را به آب می‌سپارد، از ۵ نور اعظم مدد می‌گیرد، باورهای شیعی را مستقیم اما به شکلی نرم وارد اثرش کرده است.

داستان انیمیشن «شاهزاده روم» درباره یک شاهزاده پادمان مسیحی به نام «ملیکا» است که از تبار پدر جزو نوادگان «عیسوعا» وصی حضرت عیسی (ع) به حساب می‌آید و از تبار مادر نواده «قیصر کبیر روم» است. سرنویشت این بانوی برگزیده به نوعی رقم می‌خورد که نهایتاً به پاد اسلامی عزیمت کرده و به همسری امام حسن عسکری (ع) درمی‌آید. او به این سرزمین می‌آید تا مادر منجی آخرالزمان باشد. در میان تمام فیلم‌های کوتاه و بلند داستانی و مستند و انیمیشن ایرانی، شاهزاده روم تنها اثری

